درس ششم - جایگاه قضیه در استدلال

**چند نکته :**

- استدلال در حقیقت دلیل و پاسخی است که در جواب کلمه چرا؟ می آید (یعنی دلیل آوردن برای کارها یا گفته ها)

- استدلال و آوردن دلیل، عالی ترین فعالیت ذهن بشر است.

- انسان خواه ناخواه، بدون آموزش رسمی می تواند از همان کودکی برای همه فعالیت های خود، به تناسب اطلاعات خود، دلیل و استدلال داشته باشد.

- قدرت استدلال، یک توانایی فطری است که می تواند مسیر تکاملی خود را طی کند و انسان برای کارهای خود، استدلال های قوی تر و پیچیده تر ارایه کند.

- هر استدلال حداقل از دو قضیه تشکیل شده است که به هر کدام **مقدمه** گفته می شود و این دو مقدمه با رعایت شرایطی به قضیه دیگر منجر می شود که به آن «**نتیجه استدلال**» گفته می شود.

**استدلال**

مقدمه اول  مجیدی یکی از انسان هایی است که خدا آفریده است

مقدمه دوم سعادت دنیا و آخرت هر انسانی به علم و ایمان او بستگی دارد

نتیجه  پس سعادت دنیا و آخرت مجید به علم و ایمان او بستگی دارد

- انسان خواسته یا ناخواسته در هر حالت و شرایطی استدلال می کند، اما اگر عواملی بر این عملکرد فطری و طبیعی تأثیر بگذارند ممکن است در فرایند استدلال دچار اشتباه شود، که با شناخت دقیق ماهیت استدلال می توان هم از اشتباه جلوگیری کرد و هم به بهره برداری سریع و درست تر و آسان تر دست یافت.

ماده و صورت استدلال

**منظور از ماده استدلال**:

- به هر کدام از مصالح و مواد تشکیل دهنده استدلال، ماده آن استدلال گویند.

- محتوای هر کدام از مقدمات استدلال مواد آن استدلال گفته می شود

**منظور از صورت استدلال**:

- به شکل ظاهری استدلال، صورت استدلال گویند.

- شکل و چگونگی قرار گرفتن جملات (مقدمات) کنار یکدیگر را صورت استدلال گویند.

مثلاً: در استدلال: مقدمه اول: فارابی انسان است

مقدمه دوم: هر انسانی می تواند خوش بخت شود

نتیجه: پس فارابی می تواند خوش بخت شود

اینکه فارابی انسان است و یا اینکه هر انسانی می تواند خوشبخت شود یا نه، جزء ماده استدلال است اما شکل ظاهری و ترکیب جملات در هم برای گرفتن نتیجه صورت استدلال گفته می شود.

**جایگاه قضیه در استدلال**

- استدلال از ترکیب قانون مند چند قضیه ساخته می شود

- قضیه همان تصدیق یا حکم و یا قضاوت است.

- قضایا از نظر ترکیب با هم تفاوت دارند اما هنگامی که در قالب استدلال قرار می گیرند از شکل و ضوابط خاص پیروی می کنند.

- برای این که بدانیم چه جملاتی می توانند در استدلال کاربرد داشته باشند ، ابتدا اقسام جمله را مورد بررسی قرار می دهیم :

- از عالم خارج خبر نمی دهد

- تمایلات و خواسته ی ما را بیان می کنند

- تقریباً همه جملات سوالی- استفهام- امر و نهی و... انشایی هستند

**1= انشایی**

- دوباره عالم خارج خبر می دهند.

- یک حکم یا قضاوت را می رسانند.

- همان تصدیق هستند که در آن چیزی به چیز دیگر نسبت داده می شود.

- این نوع جملات هستند که به عنوان ماده در استدلال کاربرد دارند.

- قابل صدق و کذب هستند- یعنی می توان راست یا دروغ بودن آن را مشخص کرد.

- می توانند مطابق با واقع باشند یا نباشند (صادق یا کاذب باشند).

- صادق بودن قضیه یعنی مطابقت با واقعیت و کاذب بودن آن یعنی عدم مطابقت با واقع.

اقسام جمله

**2-خبری (قضیه)**

**3- جملات بدون معنی**  شکل جمله دارند اما معنی ندارند مثل: روز چهارشنبه شجاع است

**----------------------------------------------------------------**

1- قضیه ای که در آن، بدون قید و شرط، صفتی یا حالتی را به چیزی نسبت داده یا از آن سلب شود.

2- در این گونه قضایا، چون نسبت دادن یا سلب کردن، نوعی حمل کردن چیزی به چیز دیگر است، آنرا حملیه می گویند.

- مانند: ایرانی ها ظلم پذیر نیستند. که در اینجا ظلم پذیر نبودن را از ایرانی ها سلب کرده ایم.

- ایرانی ها شجاع هستند. که در اینجا شجاع بودن را به ایرانی ها نسبت داده و حمل کرده ایم.

حملی

اقسام قضیه

1- قضیه ای که در آن شرط وجود دارد. یعنی نسبت دادن چیزی به چیز دیگر به شرط وقوع حالتی دیگر

2- در حقیقت محمول به موضوع نسبت داده می شود به شرط نسبتی دیگر

شرطی

**ارکان یک قضیه**

موضوع: مفهومی که محمول به آن نسبت داده می شود.

محمول: مفهومی که به موضوع نسبت د اده می شود

نسبت: برقرار کننده نسبت بین محمول و موضوع

**اجزاء قضیه حملیه**

مقدم (شرط) هر گاه ابر به آسمان بیاید

تالی (اجزای شرط- مشروط) باران می بارد

**اجزاء قضیه شرطی**

چند نکته:

1- در قضیه حملیه معمولاً موضوع ابتدا می آید و بعد محمول به آن نسبت داده می شود، گاهی مواقع این ترتیب رعایت نمی شود و محمول ابتدا می آید، مانند: پایتخت ایران تهران است- که موضوع قضیه تهران است که مؤخر آمده است در حقیقت آنچه توصیف می شود موضوع است و آنچه توصیف می کند و یا حالت را نشان می دهد محمول است چه اول بیاید چه بعد.

2- در قضیه شرطی ابتدا، مقدم شرط می آید و سپس تالی شرط، با توجه به معنی لغوی مقدّم (ابتدا) و تالی (دنباله رو) چنین چیزی طبیعی است و اما گاهی چنین نیست مانند این جمله: این توانایی است که محصول دانایی است

جمله ابتدا این طور بوده است که اگر دانایی باشد توانایی هم هست و یا اگر کسی دانا باشد توانا نیز هست این جابجایی مقدم و تالی بخاطر ظرافت ادبی است.